

کیمشان

شنبه ۱۰ فوریه، در آخرین تلاش ناامیدکننده برای کنترل اوضاع، فرمانده نظامی مقدمه حکومت نظامی را اعلام کرد. هوایپیمای «العال» که برای بازیگری لوازم شخصی کارکنان سفارت آمده بود، مجبور شد به‌سرعت بدون وسایل پرواز کند و بازگردد، همچنین در آخرین لحظات قبل از اعمال حکومت نظامی کادر «العال» به همراه مدیر آن، دنی سسعدون در فرودگاه گرفتار شد و شب را در دفتر شرکت سپری کرد. در همان شبیه دولت بختیار سقوط کرد و مهدی بازگان به عنوان اولین رئیس دولت جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شد. بختیار میان افراد عشیره خود در مرکز کشور پناهنده شد و پس از چند ماه موفق شد تا ایران را ترک کند، لباس فرم مهماندان یکی از شرکت‌های هواپیمایی اروپایی را پوشید و پناهندگی سیاسی در فرانسه گرفت.

«امید و شکست» خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیت ی‌قوت نیم‌روی برای اسرائیل – ۱۶

صدور مجوز اخراج اسرائیلی‌ها

در ساعات اولیه صبح روز یکشنبه، ۱۱ فوریه[۲۳بهمن] حبیب افسر اطلاعاتی به سفارت رفت تا جابه‌جایی دو نگهبان و فرد رابط را بررسی کند. سفارت مدت زمان طولانی برای کار کردن مشکل داشت، از جمله به خاطر نزدیکی به خیابانی که در مرکز تظاهرات و آشوب‌ها قرار داشت. در حالی که حبیب در ساختمان گشت‌رنی می‌کرد ده‌ها تظاهرکننده شروع به محاصره سفارت کردند و سعی کردند به ساختمان نفوذ کنند. معترضین از چوب‌دستی‌ها، تیشه‌ها و دیگر وسایل استفاده کردند اما نتوانستند تا محوطه محصور سفارت را بشکنند. یکی از کارکنان «العال» ابتکار نشان داد.

او به میان جمعیت هیجان‌زده ملحق شد و معترضین را فراخواند تا ایستگاه پلیس نزدیک را اشغال کرده و به آتش بکشند. شورشیان فراخوان او را شنیدند و خشمشان را در ایستگاه پلیس به طور کامل خالی کردند.

در این فاصله کوتاه- ده یـا پانزده دقیقه- حبیب و سه نفر دیگر از راه خروجی پشتی‌گریختند. این تصمیم بسیار هوشمندانه بود، چون که به‌سرعت صدها معترض مسلح دیوارهای ساختمان را با کنگ‌هایی شکستند. بر سفارت مسلط شدند و شروع به چپاول و تخریب کردند.

در ساختمان تعداد کمی اسناد و مدارک شخصی سفیر هرملین باقی ماندند. همان کارمند «العال» که به رهبری معترضین به ساختمان رخنه کرد دوباره ابتکار نشان داد و شروع به تحریک توده مردم کرد تا همه‌چیز را آتش بزنند. به

کمک قوطی‌های الککل که در ساختمان بودند معترضین شروع به آتش‌زدن اثاثیه، قفسه‌ها و اسناد کردند. این‌گونه آخرین اسنادی که پشت سر باقی مانده بودند نابود شدند و از خسارت بیشتر جلوگیری شد. در همان صبح گیزی تفریری به ستاد ساواک در سلطنت‌آباد رفت تا رئیس ساواک، سپهبد ناصر مقدم را ملاقات کند. مسیر حرکت خطرناک بود. گیزی زمان زیادی منتظر سپهبد ماند تا اینکه به نام وی برایش پیام آمد که او دچار افسردگی شده و نمی‌تواند کسی را ببیند و او به جای خود یکی از معاونینش را می‌فرستد، او هم سپهبد است. آن شخص رسید، بر گردن گیزی افتاد و التماس کرد: «خواهش می‌کنم، اگر راهی برای خروج داری مرا هم با خود ببر.» گیزی آن مکان را ترک کرد و به منزل سفیر بازگشت و آنجا خبر اشغال سفارت را شنید.

کریم و آنجا یک هفته کامل ماندند. انقلاب بر ایران مسلط شد و پوشش حساب‌ها، افراد قدیمی پلیس و ساواک، «دستیارانشان» از CIA و از «موساد» آشکار شد. ۱۳ فوریه[۲۵بهمن] دولت بازرگان فرمانده کل، ارتشبد عباس قره‌باغی را برکنار و به جای او ارتشبد قربی را منصوب کرد. مستشار ارتش اسرائیل، سرتیپ دوم سگو با رئیس دفتر قرنی تماس گرفت و درخواست کرد تا با رئیس ستاد فرماندهی کل جدید ملاقات کند تا اعتبارنامه‌اش را به عنوان مستشار ارتش اسرائیل در تهران به او تقدیم کند. در آن سوسی خط تلفن سکوت ناراحت‌کننده‌ای حکمفرما شد. پس از چند ثانیه سرلشکر ایرانی حواس خود را جمع‌و‌جور کرد و با حیرت پرسید: «شما هنوز اینجا‌بین؟ شما کجاییں؟» سگو معقولانه خطر کرد و شماره تلفن مخفیگاهش را به او داد. نیم ساعت بعد در پی آن یک افسر ایرانی با او تماس

گیزی و سفیر هرملین با دفتر نخست‌وزیر بختیار تماس گرفتند و با معاونش صحبت کردند، او اضطراب داشت زیرا ده‌ها هزار معترض بدفتر نخست‌وزیری را محاصره کرده بودند. طبق دستور سفیر هرملین، سرتیپ دوم سگو به ستاد فرماندهی کل و معاون رئیس اطلاعات ارتش، ژنرال رضا پرورش مراجعه و از آنها درخواست کرد تا از اعضای سفارتخانه و اسرائیلی‌های کمی که در شهر باقی مانده‌اند محافظت کنند. اما کاری از دست آنها آبرای فراری دادن نیروی هوایی، هواپیمای ترابری ارتش را خواست تا به‌سرعت اسرائیلی‌ها را تخلیه کند اما ارتشبد ربیعی پاسخ داد: «کنترل در فرودگاه به دست «سپاه پاسداران» آنپروهای مردمی! افتاده و نمی‌توانم کمکی کنم. اما اگر هواپیمایی به دست آوردید لطفاً حواستان باشد که مرا هم ببرید…»

چند روز پس از آن، ارتشبد ربیعی همراه با صدها فرمانده ایرانی به خاطر وفاداریشان به شاه کشته شد، در میان آنها سپهبد بدرهای هم بود. در وضعیت بدی که ایجاد شد و طبق برنامه اضطرابی و همین‌طور به‌دلیل اینکه لیسیت اسرائیلی‌ها و آدرس‌هایشان با سفارت تسخیر شدند، بلافاصله اسرائیلی‌ها را به مخفیگاه منتقل

گرفت و به سگو و همه اسرائیلی‌ها نصیحت کرد تا به‌سرعت کشور را ترک کنند. این افسر ستاد کل ارتش گفت از آنجایی که در این مرحله افراد «سپاه پاسداران» آکه هنوز تشکیل نشده بودا در جست‌وجوی اعضای ساواک و وفاداران به شاه هستند، اسرائیلی‌ها فرصت کوتاهی دارند تا فرارشان را از ایران برنامه‌ریزی کنند. او از سگو خواست تا به وی قول دهد که برای کسی فاش نکند که با او صحبت کرده است. هفته سختی بر اسرائیلی‌های مخفی شده سپری شد. آن‌ها خود را در مخفیگاه‌شان محبوس کردند و با وحشت تلویزیون را

با تلاش‌های یکپارچهای که در تهران و اسرائیل انجام شد با عوامل کمی معقول‌تر در دولت انقلابی از تباط‌ا ایجاد شد و آنها مجوزشان را برای خروج اسرائیلی‌ها با هواپیمای تخلیه آمریکایی ارائه کردند تا کشور را ۱۸ فوریه[۳۰بهمن] ترک کنند.

پاورقی

Research@kayhan.ir

استراتژیست‌های آمریکایی به طرز عجیبی در پاسخ به ناراحتی‌های گسترده در اروپا نسبت به واردات فله‌ای فیلم‌های هالیوودی، کُند عمل می‌کردند. هیچ حضور دیپلماتیکی در جشنواره فیلم کِ سال ۱۹۵۱ نداشتند و نه هیچ هیئت رسمی از رهبران، نویسندگان، اهل فن و هنرمندان آمریکایی. در مقابل، روس‌ها معاون وزیر سینمای خود، همچنین کارگردان معروف وِسوالد پودوفکین (سازنده فیلم معروف مادر)، که گزارش درخشانی از دستاوردهای شوروی ارائه داد، را فرستاده بودند. بعد از دریافت گزارش‌هایی مبنی بر اینکه آمریکا در

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان‌سیا در عرصه فرهنگ و هنر - ۱۵۷

توزیع گسترده فیلم‌های هالیوودی با پرده‌جبه‌های دولتی

کُن «سپار احمقانه» ظاهر شده، دولت ایالات متحده تصمیم گرفت که توجه بیشتری به صنعت سینما داشته باشد.

در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۵۳، پس از انتصاب سیسیل بی. دمیل به عنوان مشاور ویژه دولت در امور سینمایی، پایش به دفتر سی‌دی. جکسون باز شد. دو هفته بعد، در نامه‌ای به هنری لوئیس، سی‌دی. گفت که دمیل «کاملاً طرف ما است … به درستی تحت تأثیر قدرت فیلم‌های آمریکایی در خارج قرار دارد. او نظریه‌ای دارد که من کاملاً به آن معتقدم، مبنی بر این‌که بهترین استفاده از فیلم‌های آمریکایی این نیست که کل فیلم از اول تا آخراً روی یک مسئله خاص تمرکز داشته باشد بلکه باید لابه‌لای یک فیلم «عادی» مسائل مختلف گنجانده شود. او به من گفت که هر زمان که خواستی، یک مسئله

MPS از طریق ۱۳۵ مرکز اطلاع‌رسانی ایالات متحده در ۸۷ کشور، شبکه توزیع گسترده‌ای در اختیار داشت. این بخش غرق در بودجه‌های دولتی، به معنای واقعی کلمه یک تهیه‌کننده بود و تمامی امکانات لازم یک شرکت تولیدی را داشت.

MPS همچنین مشارکت آمریکایی‌ها در جشنواره‌های فیلم خارج از کشور را تنظیم می‌کرد و بدین ترتیب خلأش‌رم جو‌ش‌ورانه کِ سال ۱۹۵۱ را پر نمود. طبیعتاً، این سازمان سخت تلاش کرد تا «تهیه‌کنندگان و فیلم‌های آمریکایی که از سیاست خارجی آمریکا حمایت نمی‌کنند، که اتفاقاً در برخی موارد، مضر امنافع ملی و سیاست خارجی‌ا هستند را از نمایش در جشنواره‌های بین‌المللی محروم کند. در عوض، فیلم‌هایی مانند «استان باب ماتیاس» (که تولید استودیوایلد آر، تیست، ۱۹۵۴) در نمایش گذاشت، «صوری تقریباً بی‌نقص از بهترین مرحله زندگی آمریکایی- یک پسر کوچک شهری با خانواد‌اش، معشوق‌اش، حرفه‌اش، علاقه‌اش به ورزش- که همه اینها دست

چرخ‌ی که دارم می‌چرخانم، دست بردارم، دیگر نمی‌گردد.

پس چرخ آسمان‌ها و زمین هم که دائماً در گردش است، یک گرداننده می‌خواهد.» این جا بود که پیامبر فرمود: «بر شما باد به دین بپرزین‌ها!»

این پیزرن، یک دلیل ساده و محکم دارد که برای خودش خوب است و کسانی هم که مثل او هستند، اگر به همین مقدار اکتفا کنند، برایشان خوب است. البته این طیف از مردم، فقط از بی‌سوادها نیستند؛ بلکه بعضی محضلان نیز ممکن است داخل در این دسته باشند…

محرم نراقی «بُله» را فقط قسم اول معزفی کرد؛ ولی بُله‌ا، قسم دیگری هم دارند

معنی حدیث «بیشتر بهشتیان، بُله‌اند»

ممکن است کسی بگوید: مگر نه این است که در روایت فرموده‌اند: «اَکْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْبُلهُ»^۱؟ پس چرا دنبال علم باشیم؟ «خدا را از علم آیدم نمی‌داند و شرع برایش ارزشی ندارد. جایگاهش هم نزد خدا، همین طور است.^{۱۱}

معنی حدیث «بیشتر بهشتیان، بُله‌اند»

ممکن است کسی بگوید: مگر نه این است که در روایت فرموده‌اند: «اَکْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْبُلهُ»^{۱۲}؟ پس چرا دنبال علم باشیم؟ «خدا را از علم آیدم نمی‌داند و شرع برایش ارزشی ندارد. جایگاهش هم نزد خدا، همین طور است.^{۱۱}

لنگهٔ آن را باخر و سر جایش بگذار که اگر امشب مُردی، بدهکار نباشی.» اگر صابح‌خانهٔ کریمی شما را دعوت کند که بیایی و خانه‌اش را رنگ‌آمیزی کنی، آیا شما می‌توانی به این خیال که او کریم است، کار نکنی یا خرابکاری کنی و بعد هم دم در بنشیننی و انتظار مزد داشته باشی؟! خوب گوش بدهید! حالا تو که زغال را برداشتی و تمام در و دیوارهای خانهٔ دلت را سیاه کرده‌ای، نشستهای و منتظر عطا هستی؟! مدام می‌گویی که صاحب‌خانه کریم است! بینی و بین الله، آ یا عَقل! نمی‌گویند: این آدم، احمق و دیوانه است؟! وَ الْحَقُّ الْحَقُّی مَن أَتَبَعَ نَفْسَهُ هَواها وَ تَمَتَّى عَلَی اللّهِ اَلْاَمانُ»^{۱۰}.

است، رحیم و غفور است» نباش و کار کن. خدا کریم است، یعنی چه؟! اگر صاحب‌خانهٔ کریمی شما را دعوت کند که بیایی و خانه‌اش را رنگ‌آمیزی کنی، آیا شما می‌توانی به این خیال که او کریم است، کار نکنی یا خرابکاری کنی و بعد هم دم در بنشیننی و انتظار مزد داشته باشی؟! خوب گوش بدهید! حالا تو که زغال را برداشتی و تمام در و دیوارهای خانهٔ دلت را سیاه کرده‌ای، نشستهای و منتظر عطا هستی؟! مدام می‌گویی که صاحب‌خانه کریم است! بینی و بین الله، آ یا عَقل! نمی‌گویند: این آدم، احمق و دیوانه است؟! وَ الْحَقُّ الْحَقُّی مَن أَتَبَعَ نَفْسَهُ هَواها وَ تَمَتَّى عَلَی اللّهِ اَلْاَمانُ»^{۱۰}.

است، رحیم و غفور است» نباش و کار کن. خدا کریم است، یعنی چه؟! اگر صاحب‌خانهٔ کریمی شما را دعوت کند که بیایی و خانه‌اش را رنگ‌آمیزی کنی، آیا شما می‌توانی به این خیال که او کریم است، کار نکنی یا خرابکاری کنی و بعد هم دم در بنشیننی و انتظار مزد داشته باشی؟! خوب گوش بدهید! حالا تو که زغال را برداشتی و تمام در و دیوارهای خانهٔ دلت را سیاه کرده‌ای، نشستهای و منتظر عطا هستی؟! مدام می‌گویی که صاحب‌خانه کریم است! بینی و بین الله، آ یا عَقل! نمی‌گویند: این آدم، احمق و دیوانه است؟! وَ الْحَقُّ الْحَقُّی مَن أَتَبَعَ نَفْسَهُ هَواها وَ تَمَتَّى عَلَی اللّهِ اَلْاَمانُ»^{۱۰}.

صفحه ۶

دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۴

۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۴۸



به دست هم دادند و از او قهرمانی ساختند که با دو بار فتح قله المپیک نامش به عنوان یکی از ورزشکاران برجسته در برگ‌های تاریخ المپیک ماند… اگر این فیلم‌ها ارزش‌های آمریکایی مورد نظر ما را روی پرده نداشته باشد، پس باید به دنبال مجموعه‌ای جدید از ارزش‌ها برای تبلیغ باشیم».

سی. دی. جکسون، در جست‌وجوی همپیمانانی در هالیوود بود که بهتر از بقیه «مشکلات تبلیغاتی ایالات متحده» را درک کنند و آماده باشند «بدهای درستی را با ظرافت مناسب در فیلم‌نامه‌ها و اقدامات خود بگنجانند»، او طبق معمول، در برابر گزینه‌ها مردد بود. در ژانویه ۱۹۵۴، او فهرستی از «دوستانی» را که می‌توانستند به دولت کمک کنند، تهیه کرد، تقریباً همان‌هایی بودند که کمپانی‌های هالیوود را به وجود آوردند: سیسیل بی. دمیل، اسپایروس پی. اسکورس و داریل زانوک از فاکس؛ نیکلاس شک، رئیس ام‌جی‌ام و تهیه‌کننده دور شاری؛ بارنی بالابن، رئیس پارامونت؛ هری و جک وارنر (برادران وارنر)؛ جیمیز آر. گرینجر، رئیس آر کی او؛ ملتون رَکمیل، رئیس یونیورسال؛ هری کوخن، رئیس کمپبیا پیکچرز؛ هربرت بنتن در ریپابلیک؛ والت ر. وری و پیکری وارک جانتسون از انجمن تصاویر متحرک. اما ارزشمندترین دارایی سی.دی. در هالیوود، کارلتن السوپ، جاسوس سازمان سیا بود. السوپ که تحت پوشش آتیه‌پننده در استودیوهای پارامونت فعالیت می‌کرد، سابقه‌ای طولانی تهیه‌کنندگی و همزمان جاسوسی داشت:

در میانه‌های دهه ۱۹۳۰ در استودیوهای ام‌جی‌ام (متروگلدوین مِ پِر) کار می‌کرد، سپس در اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل ۱۹۵۰ با جودی گارلند همکاری داشت. در همین دوره بود که به «کار گاه جنگ روانی» فرانک ویزنر پیوست. در اوایل دهه ۱۹۵۰، السوپ به طور منظم «گزارش‌های سینمایی» برای سازمان سیا و شورای برنامه‌ریزی جنگ روانی تهیه می‌کرد؛ این گزارش‌ها در هدف اصلی را دنبال می‌کرد: تحركات کمونیست‌ها و همفکرانشان در هالیوود را زیر نظر بگیرند

دستاوردها و شکست‌های یک گروه نفوذی مخفی- که تحت رهبری خود السوپ فعالیت می‌کرد- را از زیبایی کنند؛ گروهی که مأموریت داشت مفاهیم و درون‌مایه‌های خاصی را به فیلم‌های هالیوودی تزریق نماید.

حیات ایشان از دنیا رفته و قبر وی در قبرستان بیات قم است(مواضع: ج ۲ ص ۱۵۱). گاهی ایشان با مرحوم آیت‌الله شیخ مخمدهادی تهرانی معروف به مقدس تهرانی (م ۱۳۲۱) که در نجف مدفون است، اشتباه گرفته می‌شود. ۵- مواضع: ج ۱ ص ۱۲۷. در مباحثه حجت‌الاسلام غلامحسین بخشی، این جریان، بدون آوردن نام آقای مقدس آمده است. ۶- مواضع: ج ۲ ص ۱۲۷. ۷- به نقل از آقای حسین واحدی. ۸- مواضع: ج ۱ ص ۹۵. (احمق‌ترین احمق‌ها، کسی است که نفس خویش را دنباله‌رو هوس سازد و خداوند متعال، اِثْمُحَقِّاقِ اِزْوَاجِها ناشناس را بخواده» (التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری: ج ۳ ص ۱۴۳). ۱۰- مواضع: ج ۳ ص ۱۵۰. نیز، ر. ک: ج ۴ ص ۱۸۸. ۱۱- مواضع: ج ۳ ص ۱۲۶. ۱۲- ال‌آلمانی، مرتضی: ص ۳۸. ۱۳- ر. ک: جامع السعادات، ج ۱ ص ۲۷۲. گفتنی است که ملا احمد نراقی- نیز این روایت را به صورت نشر معنا کرده است (ر. ک: مثنوی طالقین: بخش ۱۵۵، حدیث «اَکْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْبُلهُ»، ۱۴- المِجْلَةُ البُیْضا، ج ۶ ص ۱۴۴. ۱۵- هفت شهر عشق: ش ۸. ۱۶- او اگر اِرمَد را در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً با گوارایی بدیشان می‌نوشایم)؛ (جن: آیه ۱۶). ۱۷- اشاره است به این روایت از ابن‌بابر علیه‌السلام که در تفسیر آیه پاد شده فرمود: «تَحوَّل: لاَ تُشْرِینا قُلُوبُهُمُ الْاِیمانَ، و الطَّریقَةُ فی وَلاَئِهِ عَلَی بن ابی طالب و الاَوصِیاء: اِخْدائُهُم اِی می‌فرماید: ایمان را که در دلشان جایگزین می‌کنیم و طریقه، همان ولایت علی بن ابی‌طالب و اوصیای او است» (الکافی: ج ۱ ص ۴۱۹ ح ۳۹). ۱۸- مواضع: ج ۲ ص ۳۱- ۳۲. ۱۹- مقصود، روایتی ضعیف‌السد است که علامه مجلسی آن را از کتاب زوائد الفوائد سید ابن طاووس و کتاب المحاضر شیخ حسن بن سلیمان، در فضیلت روز نهم ربیع‌الْاَوَّل نقل کرده است. در این روایت طولانی، این روز، روز از دنیا رفتن خلیفهٔ دوم و روزی دانسته شده که به همین مناسبت از شیعیان، رفع قلم شده است. در بعضی از این روایت(طبق نقل سید ابن طاووس) آمده است که امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمود: «لَقَدْ حَذَّنَی اَبی اَن حَذِیْقَةُ بنِ التِّیْمَانِ دَخَلَ فی مِثْلِ هَذَا التَّیْمِ عَلَی جَدِّی رَسولِالله … و یَقول … اَوْحَی الله اِلَیَّ: … اَمَرْتُ الْکِرَامَ الْکَاتِبِینَ اَنْ یَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنِ الْخَلْقِ عَلَی ذَلِکَ التَّیْمِ و لَا یُکْتُوبُن شیْئا مِنْ خُطایِناهُمْ کَرامَةُ لَکَ و لَوْحِیکَ، پدِرم برایم حاکمیت کرد که در چنین روزی (نهم ربیع‌الْاَوَّل) خذیفه بر جدم رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وارد شد. و فرمود… خداوند به من وحی نمود که به جهت بزرگداشت تو و وصی تو، به فرشتگان بزگوارگی که کارشان نوشتن اعمال بندگان است، دستور داده‌ام که در این روز، چیزی را برای مردم ثبت نکنند و چیزی از اشتباهات آنان را ننویسند» (بحار الاَئوار: ج ۹ ص ۳۵۲). ۱) عبارت «فی ذلک التَّیْمِ»، طبق نقل حسن بن سلیمان «لَاِنَّهُ اَیَّامُ بنِ ذَلِکَ التَّیْمِ» است (بحار‌الْاَئوار: ج ۳ ص ۱۱۵).

همچنین در ادامهٔ روایت، از امیر مؤمنان علیه‌السلام نقل شده که یکس از نامه‌ای این‌گونه است: «یَوْمَ رَفَع الْقَلَمُ» است. ۲۰- در روایتی با بسند معتبر از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «لَقَدْ خَلَّیْنَا اِلَّا اَذْنَبْتُ ذَنْباً اَجَلَهُ اللهُ نَسِیْعَ سَاعَاتِ فِانِ اسْتَغْفَرَ اللهُ لِمِ یُکْتَبُ عَلَیْهِ شَیْءٌ» و این مُضْتَبِ التَّیْمِ و لَمْ یُسْتَغْفَرَ کُتِبَتْ عَلَیْهِ شَیْئُهُ، هر گاه بنده مؤمن گناهی کند، خداوند هفت ساعت به او مهلت می‌دهد. اگر از خدا آمرزش خواست، بر او نوشته نمی‌شود و اگر این ساعت بگذرد و آمرزش نخواهد، گناه کاره برایش نوشته می‌شود» (الکافی: ج ۲ ص ۳۲۷ ح ۲۱- به نقل از مقدس تهرانی(متنول) ۱۲۸۰ ش) فرزند میرزا حسن فشنندی(فشمی) و برادر حاج شیخ علی حسامی است. او از وقایع تهران و از شاگردان حاج شیخ مرتضی زاهد بوده و به مرحوم آیت‌الله‌حق‌شناس در زمان

۱- متن کامل این حدیث که از امام صادق روایت شده است، چنین است: «فی التَّوَّاهِ مَکْتُوبٌ: یَدِیْنِ اَبِیْ دَفَّرَعُ لِعِبَادَتِی اَمَّا قَلْبُکَ عَنِّی و لَا اَکْثَرَ اِلَی طَلِیکَ و عَلَی اَنْ اُسْکَ فَاَفْتَحْ و اَمَّا قَلْبُکَ هَواها مَی، و اِنْ لَافْتَحْ لِعِبَادَتِی اَمَّا قَلْبُکَ شَغَلَاْ بِالْذُّنُوبِ ثُمَّ لَا اُسْکَ فَاَفْتَحْ، و اَکْثَرَ اِلَی طَلِیکَ، در تورات نوشته شده است: ای پسر آدم! خود را وقف عبادت من گردان تا دلت را از پی‌نماری آکنده سازم و تو را به خواست‌ها و نگذارم، ای بر من است که در نیازمندی را به روی تو ببندم و دلت را از ترس خود لبریز سازم. اگر خود را وقف عبادت من نسازی، دلت را از گرفتاری به دنیا بر می‌کنم. سپس در نیاز را به رویت نمی‌نمیدم و تو را به خواست‌ها و می‌گذارم» (الکافی: ج ۲ ص ۸۲ ح ۲- ر. ک: ۱۹۴ (صل مشکیل علمی). ۲- مواضع: ج ۳ ص ۲۴. ۴- ظاهراً مقصود، مرحوم حاج هادی مقدس تهرانی(متنول) ۱۲۸۰ ش) فرزند میرزا حسن فشنندی(فشمی) و برادر حاج شیخ علی حسامی است. او از وقایع تهران و از شاگردان حاج شیخ مرتضی زاهد بوده و به مرحوم آیت‌الله‌حق‌شناس در زمان

^[1] در میانه‌های دهه ۱۹۳۰ در استودیوهای ام‌جی‌ام (متروگلدوین مِ پِر) کار می‌کرد، سپس در اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل ۱۹۵۰ با جودی گارلند همکاری داشت

^[2] در میانه‌های دهه ۱۹۳۰ در استودیوهای ام‌جی‌ام (متروگلدوین مِ پِر) کار می‌کرد، سپس در اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل ۱۹۵۰ با جودی گارلند همکاری داشت